

روش‌هایی برای

سفید کردن دندان

۲

عشق به همسر یا فرزند

کدام قوی‌تر است؟

نگاهی روان‌شناسانه به اظهار نظر عجیب

«ایان ری‌نولدز»...

۳

آقای دهباشی! شاد باش

و دیرزی!

۴

به احمدی نژاد نگفتم به خاطر او بیکار شدم

محمود بصیری که سال‌ها به خاطر شباهت با احمدی نژاد ممنوع‌التصویر بود**از سبک زندگی این روز‌هایش می‌گوید**

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

پرونده

محمود بصیری را سلطان ممنوع‌التصویری می‌دانیم. نه به این که رکوردددار طولانی‌ترین ممنوع‌التصویری بین بازیگران است. او اسطوره بدشانسی است! قد کوتاه، صورت گرد، ظاهر ساده‌ای که با کاپشن شناخته می‌شود و... شباهت به آقای رئیس‌جمهور سابق شاید بزرگ‌ترین شانس یک بازیگر برای شهرت و کار بیشتر باشد. این شباهت اما برای محمود بصیری، بازیگر نام‌آشنای فیلم و سریال‌های «بدون شرح»، «آرایشگاه ز بیا»، «مادر»، «دستفروش»، «زردقناری»، «مهریه بی‌بی» و... آمد نداشت و سال‌ها خانه‌نشینی را برای او به ارمان آورد. حالا حدود هشت سال از دولت نهم و دهم می‌گذرد. محمود بصیری موهایش سفیدتر و صدایش خشن‌دار شده. او اما همچنان سالم و سرزنده است. بازیگری که در سریال‌ها معمولاً نقش آبدارچی را بازی می‌کرد با این که سال‌ها از دولت «محمود احمدی نژاد، می‌گذرد همچنان خانه‌نشین است و در سکوت، زندگی‌اش را می‌گذراند. در پرونده امروز «زندگی سلام» بدون هیچ بهانه‌ای سراغ محمود بصیری رفتیم تا از سبک زندگی‌اش به عنوان یک بازیگر پیش‌کسوت بگوییم. او هم یک ساعت پای تلفن نشست و از این روز‌ها گفت: کرونا، بی‌مهری کارگردان‌ها، علاقه‌اش به حیوانات و... خلاصه هر چیزی را که از بدل محمود احمدی نژاد در سینما و تلویزیون نمی‌دانستیم خودش گفت.

این روز‌ها را با دو چرخه‌سواری می‌گذرانم



«دو چرخه‌ای دارم و با آن بیرون می‌روم. کرونا کاری کرده که همه‌مان در خانه نشسته‌ایم. من هم هیچ جا نمی‌روم. خودم هستم و یک دو چرخه قدیمی...» محمود بصیری می‌گوید: «تنبل شده‌ایم. دو تا نان می‌خواهیم از سر کوچه بگیریم، ماشین را برمی‌داریم و چند تا خیابان را دور می‌زنیم. و گرنه چرا هر کسی را می‌بینیم قند، چربی و اضافه وزن دارد؟ من که دلبسته همین دو چرخه قدیمی‌ام هستم. خانه ما تا پارک دانشجو فاصله دارد. هر روز سوار دو چرخه می‌شوم و ۳۷ دقیقه رکاب می‌زنم. پارک دانشجو، نزدیک تئاتر شهر است. وقتی می‌بینم زن و مرد، دو چرخه سواری می‌کنند کیف می‌کنم. من هم جز این، کاری ندارم. گاهی موتور می‌آید و جلوی پایم ترمز می‌زند. می‌خواهد آدرس بپرسد اما در همان یکی، دو دقیقه همه را خفه می‌کند. این دود دارد پدر ما را در می‌آورد. تا از جرمه صحبت کنید همه مجبور می‌شوند و رعایت می‌کنند ولی این اجبار، خوب نیست.»

نمی‌خواهم بعد از

مرگ، سراغم

را بگیرند

ماجرای ممنوع‌التصویری محمود بصیری را حتما شنیده‌اید. او با نقش آفرینی در سریال‌های «آرایشگاه زیبا»، «هتل»، «کتاب فروشی هدهد» و فیلم‌های «دستفروش»، «مهریه بی‌بی» و... مورد توجه قرار گرفت اما به دلیل شباهتش به محمود احمدی نژاد، رئیس‌جمهور سابق ممنوع‌التصویر شد. محمود بصیری اما چطور در آن سال‌ها برای خلاص شدن از ممنوع‌التصویری پیگیری نکرد؟ او می‌گوید: «من اهل سیاست نیستم. چون آن را بلد نیستم. در آن سال‌ها هیچ وقت از کسی نپرسیدم که چرا دیگر حضور ندارم. چون برایم مهم نبود. اگر الان فوت کنم همین که همسایه‌ها از من اراضی باشند برایم کافی است. من نه به تلویزیون، نه به خانه سینما و پیش‌کسوتان هیچ احتیاجی ندارم. حتی نمی‌خواهم که بعد از مرگ برایم تسلیت بگویند. لازم نیست بعد از مرگم این طرف و آن طرف خبر بدهند و در باره حرف بزنند. این قدر رفیق و دوست و آشنا دارم که احتیاجی به دیگران ندارم.»

یکسره به همکاران و دوستان

زنگ می‌زنم



محمود بصیری، بازیگری است که سال‌ها در سریال‌های به یادماندنی زیادی بازی کرده اما به یک باره ممنوع‌التصویر و بیکار شده است. می‌خواهم بدانم زندگی‌اش طی این سال‌ها چه تغییری کرده است؟ او می‌گوید: «راستش من خیلی به دوستان و همکارانم زنگ می‌زنم. با خودم می‌گویم توی زنگ را بزن، مخاطبیت اگر پاسخ ندهد یک تلفن به تو بدهکار است. من زنگ می‌زنم و چیزی نمی‌خواهم؛ نه کاری می‌خواهم و نه پول و چیز دیگری. فقط می‌خواهم احوال همکارانم را بپرسم. یادش بخیر یک زمانی خیلی به آقای مشایخی سر می‌زدم. یک بار یک نفر گفت که آقای مشایخی می‌گوید محمود، رفیق خیلی خوبی است. وقتی خودت هستی به تو سر می‌زند. وقتی هم نیستی هوای خانواده‌ات را دارد. من با هر کسی که تلفنش را داشته باشم ارتباط دارم و حالش را می‌پرسم. چون حال مردم برایم مهم است. یک زمانی از روزنامه‌ای اصرار کردند که همراه آن‌ها به دیدار بچه‌های سرطانی بروم. من گفتم وقتی چندین سال است که کاری نداشتم آیا برای بچه‌ها جذابیته دارم؟ آن‌ها اصلا من را می‌شناسند؟ در جواب گفتند که قبلا علی دایی را دعوت کردیم و بچه‌ها خیلی خوشحال شدند. گفتم اگر من هم علی دایی را ببینم خوشحال می‌شوم. اصرار کردند و من هم یک دفعه چیزی به ذهنم آمد و اجرایش کردم. آن روزها ۲۰ اسفند بود. گفتم شما یک دست لباس حاجی فیروز برایم تهیه کنید تا با شما بیایم. چند روز مانده به عید نوروز در نقش حاجی فیروز به دیدارشان رفتم. کسی نرفت، بگویم که فلان بازیگر می‌خواهد به دیدن‌تان بیاید. ما رفتیم و با ساز و آواز و سیاه‌بازی، بچه‌ها را خوشحال کردیم. برنامه را اجرا کردیم و هیچ فردی نفهمید که محمود بصیری آمده است. چون آن موقع، دوران آقای احمدی نژاد بود و نمی‌خواستم جایی نامم را بشنوند و دوباره حساسیت‌ها زیاد شود. آن روز برایم تا کسی گرفتند که به خانه برگردم، اما برای این که شناخته نشوم با همان لباس حاجی فیروز برگشتم. جالب این جاست که آن روزها سر چهارراه‌ها، حاجی فیروز‌ها می‌رقصیدند. یکی‌شان من را دید و گفت الان وقت کار است. چرا سوار ماشین هستی؟ من هم صدایم را عوض کردم و گفتم برو بابا. من کله سحر آمدم بیرون و چنته‌ام پراست!



بعد از دولت احمدی نژاد هم کسی سراغم را نگرفت

حالا حدود هشت سال از دولت محمود احمدی نژاد می‌گذرد. محمود بصیری در این مدت در کارهای کمی حضور داشته و انگار که در این کشور نبوده است! مثلا او اوایل امسال برای عید نوروز، نقش کوتاهی در باره کرونا بازی کرد که فیلم آن در فضای مجازی منتشر شد. محمود بصیری می‌گوید که بعد از دولت محمود احمدی نژاد هم هیچ کسی سراغش را نگرفته است: «مسئولان وقتی کارهای تبلیغاتی دارند سراغ ما می‌آیند و گرنه وقتی به دردشان نمی‌خوریم آن‌ها کاری به کارمان ندارند. به قول شاعر، معرفت‌ذر گرانی است به هر کس ندهند/ پر طاووس قشنگ است به هر کس ندهند...» از محمود بصیری می‌پرسم بعد از ماجرای ممنوع‌التصویری و دولت احمدی نژاد آیا با آدم‌های سیاسی دیگر هم ارتباط داشته است؟ می‌گوید: «یک بار، من را صدا زدند و گفتند می‌خواهیم یک کار تبلیغاتی برای یکی از نامزدهای ریاست جمهوری بسازیم. من رفتم و صحبت کردم. دیدم که طراح لباس با کارگردان مشورت می‌کند که برای نقش من چه لباسی بخرند. یک لحظه شنیدم کارگردان می‌گوید برای من کاپشن آقای احمدی نژاد را احتما بگیرند. همین را که شنیدم، گفتم این کار من نیست. آن‌ها می‌خواستند با مسخره بازی با عنوان آقای احمدی نژاد برای یک ستاد دیگر تبلیغ کنند. خدا را شکر که قبول نکردم. یادش بخیر، آقای احمدی نژاد یک سال قبل از رفتنش، من را به مراسمی دعوت کرد. این مراسم در مادر مضان و به همراه بقیه هنرمندان برگزار شد. در میان همه مهمانان و هنرمندان، آقای احمدی نژاد به طر فم آمد و بعد از خوش و بشی از من پرسید که چرا بازی نمی‌کنی؟ من هم نگفتم که به خاطر خودتان بیکار شده‌ام. در جوابش گفتم یک نقش‌هایی می‌گویند که به درد من نمی‌خورد.»

در ماه‌های گذشته چند برنامه تلویزیونی رفتم

ولی پیشیمانم



محمود بصیری می‌گوید این روز‌ها همه دنبال کار خودشان هستند و معرفت قدیمی‌ها را ندارند: «یادم می‌آید در فیلم برداری سریال هزارستان، سگی وجود داشت که همان دور و بر پرسه می‌زد. یک روز و حین فیلم برداری، این سگ درد ز ایمان مهم نیست. فقط صحنه برایشان اهمیت دارد. یادم می‌آید چند وقت قبل، من را به برنامه‌ای دعوت کردند. هوا خیلی سرد بود. نشانی یک ساختمان را دادند و گفتند برای شرکت در برنامه به آن‌جا بیایید. وقتی رسیدم خانمی بچه‌اش را بغلش گرفته بود و در سرما راه می‌رفت تا او را گرم کند. رفتم و تهیه‌کننده را صدا کردم. به او گفتم دختر این خانم مهمان برنامه شماست. این خانم اما حین ضبط برنامه مجبور است که بچه‌اش را در سرما راه ببر تا گرم شود! بعد از آن، تهیه‌کننده دستور داد تا مهمانان را به فضای گرمی ببرند و تحویل‌شان بگیرند. دلم سوخت. این اواخر چندین برنامه رفتم و پیشیمان شدم. چون فقط ظاهر کار برایشان اهمیت داشت.»

حاضر من نقش احمدی نژاد را بازی کنم

حالا که صحبت از معرفت می‌شود از محمود بصیری می‌پرسم آیا بعد از این همه سال بیکاری، محمود احمدی نژاد را حلال می‌کند؟ محکم می‌گوید: «بله. پس معرفت‌مان کجاست؟ یاد گرفته‌ام که هیچ بدی را با بدی تلافی نکنم. چون اگر بدی کنم پس من هم آدم بدی هستم. به نظر من این سال‌ها خیلی هم بد نگذشته است. قبلا هم گفته‌ام که از سال‌ها بیکاری خوشحالم! چون در این سال‌ها فیلم و سریال‌های زیادی ندیدم که مردم را پای تلویزیون بنشانند. برای من مهم نیست که نقش‌ها، نقش اصلی باشد. حاضرم که ۲-۳ سکانس در فیلمی بازی کنم که سال‌ها در ذهن مردم می‌ماند. مثلا فیلم «مادر» علی حاتمی را همه دیده‌اند. نقش آن پینه‌دوز را که کنار در نشسته من بازی کرده‌ام. آن نقش در دل خودش مطلب زیادی داشت. پیرمردی نشسته و پینه‌دوزی می‌کند و صاحب‌خانه، کلید در خانه را دست او داده است. چرا چنین کاری می‌کند؟ چون گذشته‌ها مردم به همدیگر اعتماد داشتند. حالا چطور است؟ کسی که می‌خواهد به سفر برود یک لامپ و رادیو روشن می‌گذارد و نمی‌گذارد که همسایه‌اش بفهمد خانه خالی است. این جور نقش‌ها حتی اگر کوتاه باشد ولی می‌ارزد که بازیگر خودش را خرج کند. من احمدی نژاد را می‌بخشم. حتی حاضر من نقشش را بازی کنم. فقط باید خودش نامه‌ای بنویسد و اجازه دهد که نقشش را بازی کنم.»